وآن قبلهٔ اهل ایمانست عرش مجید وآن قبلهٔ گروهیانست حضرت جلال احدیت وآن قبلهٔ دل عارفانست فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ
وهریک ازین اسما بازاء یکیست ازین قبلها وشرح این سخنان را عرصهٔ اوسع ازین باید — در آنچه تعلق بمعانی فاتحه وحقایق آن دارد
مشتمل بر مقدمه وهفت اصل — در ترجمهٔ این سورهٔ مکرمه ووجه نظم وآیاتش بایکدیگر بدانکه اکابر دین مرین سوره را ترجمها نوشته
اند واز جملهٔ آنها امام حقانی وعالم ربانی شیخ سعد الدین فرغانی در کتاب مناهج العباد آورده الْحَمْدُ هر حمد وآفرینی که از ازل
تا ابد موجود ومعلوم بوده هست وخواهد بود وجمله بتمام وکمال لِلَّهِ مر خدایرا که مسمی وموصوف بهمه اسما وصفات وکمال است
کرجامع همه کمالاتست رَبِّ الْعَالَمِينَ آفریننده وپرورنده وتربیت کننده همه عالمها وعالمیانست بوجود بخشی کاری وپروری
ونیکو کنندگی حال ایشان بهرچه بدان محتاج خواهند بود الرَّحْمَٰنِ بخشنده وجود باری دیگر در آخرت بعد از فنا شدن وبعدم رفتن
الرَّحِيمِ بخشاینده ونیز بشفقت وتربیت بر مومنان به بهشت درآوردن واز دوزخ خلاص دادن مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ پادشاه حاکم
ومتصرف در همین روز جزا که اگر خواهد بقدرت در کم از لمحه حاضر گرداند واگر خواهد بحکمت مدتی در توقفش بدارد إِيَّاكَ نَعْبُدُ ترا میپرستیم
بس که در غیر تو مستحق عبادت نیست وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ واز تو یاری میخواهیم وبس در عبادت قبول آن اهْدِنَا ما را راهنما
خداوند الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ براه راست در اعتقاد واقوال وافعال واخلاق که آن راه متوسط باشد میان افراط وتفریط وغلو وتقصیر
صِرَاطَ الَّذِينَ راه آنکه أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ که نعمت دوستی ورضا ونبوت ورسالت وولایت وصلاحیت وشهادت
بر ایشان رحمت وانعام کرده وسلوک آن راه ایشانرا بجود نزدیک گردانیده غَيْرِ الْمَغْضُوبِ راه آنکسانی که در ابتدا مبتلی بغضب
تو درآمده اند وبدان سبب بر کفر اقدام نموده اند وَلَا الضَّالِّينَ ونیز نه راه آنکسانی که بعد از وجود در راه هدایت
سبیل مختلف سلوک کرده اند واز راه عقل واحسان بحقیقت اسلام وایمان گمراه شده اند آمین چنین باد ووجه نظم این آیات
بایکدیگر علمای امتحان رحمهم الله امام برهان الدین نسفی در کشف الحقایق آورده که اگر کسی در نظم آیات این سوره تأمل کند نظم
اول بر او ظاهر گردد که هیچ آیتی نیست الا که در معنی هست که تشویق میکند یعنی آرزومند میگرداند بآیهٔ ثانی تا آخر سوره
واز این سخن مفهوم میشود که هر آیه ازین سوره محرک ذهن است بمعنی آیهٔ لاحق در تفسیر قاری می آید که وجه تعلیق آیهٔ اول از
فاتحه بر بسمله آنست که ابتدا ببسمله نعمتیست که حاصل نشود مگر بعون الهی وتوفیق پادشاهی پس ذکر حمد بعد از حصول آن نعمت
بغایت عین صواب باشد ومحض حکمت ویکی از علما فرموده که حق تعالی وتقدس خواست که بندگان خود را که از محض جود نعمت
وجود منعم گردانیده بود ادای وظایف حمد وثنای خود تعلیم دهد بکلمهٔ الحمد لله بدیشان فرستاد وسبب استحقاق حمد
که ایجاد وتربیت است بلفظ رب العالمین ازپی درآورد تا معلوم گردد که سزاوار سپاس ومستحق ثنا وقیاس خداوندیست
که بنده را بکرم محض آفرید وبمحض کرم پرورش فرمود وچون فلاسفه حق سبحانه را موجب بالذات شناسند وگویند که او را در فعل
اختیاری نیست وبی اختیار از او صدور می یابد پس بقول ایشان حق را در آفرینش وپرورش که بی اختیار از او صادر شده حمد وثنا
لازم نیاید ازین جهت سخن ایشانرا بآیهٔ الرحمن الرحیم نفی کرد چه اثر رحمت عموماً وخصوصاً از اختیار است ومعنی سخن بدین راجع شد

که خلق

که خلق بتربیت باختیار من بوده واز روی رحمت وتفضل واقع شده پس من متفضلم درین کار وبر هرچه خواهم قادر مختارم بیت در
دو جهان قادر مطلق کراست : قدرت بی عجز بجز حق کراست : صاحب قدرت نبود هیچکس : قادر مختار خدایست وبس : وچون
مؤمنان طوق حمد قادر منان در گردن جان فکنده زبان سپاس داری بگشایند جمعی که پیمان سر از خط فرمان بر تافته ومستوجب
مجادحق شده از طریق شکرگذاری اعراض مینمایند لاجرم وعدهٔ حامدان ووعید متمردان در مالک یوم الدین اندراج داد وبعد از آنکه
علم بنده بذکر خداوندی که موصوفست بصفات وسزاوار است باستحقاق حمد وثنا تعلق بمعلوم معین گرفت حق سبحانه وتعالی از مکان
غیبتش بفضای خطاب ساینده بایاک نعبد مقدمات عبادت او را تمهید نمود وچون بسبب نسبت عبادت بنفس او توهم عجب
بایاک نستعین نفی آن فرمود تا داند که عبادت او موقوفست باعانت حق چون طریق اعانت بسیار است بیان
معونت مطلوبه یعنی هدایه که مقصود کلی ومقصد اصلیست وهی تعیین کرد که اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ چون مجموع راهها باعتبار آنکه منتهی
بحضرت اوست که وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ استقامت دارد علی الاطلاق اما در مطلقات هیچ شرفی متصور نیست بلکه ظهور فواید تمیز
در رویت واختلاف جهات طرقست چنانچه در نکتهٔ پنجم ازین صحیفه شمهٔ گفته خواهد شد لاجرم او را طلب الهی فرمود که بر وی موصل
باشد بمقصود وآن راه جمعیست که خلعت نعمت در ایشان پوشانیده اند چنانچه صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ چون نظر بحقیقت
واستبصار عاقبت امر وخاتمت کار اعتبار دارد بسیار کسان باشند که ساکن نعمت آباد رضا وهدایت بوده اند وباخر در مملکت
غضب وخطرگاه ضلالت افتاده اند چون ابلیس وبلعم وامثال ایشان مناسب بود بآیهٔ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ
بیان کمال نعمت فرموده اند تا معلوم گردد که نعمت کامل آنست که از غضب الهی وخطر گمراهی سالم ماند وبسلامت بمنزل دار السلام
بیت تا نهی پای بدار النعیم : هیچ مباش ایمن از اندوه وبیم : خواجه بدان غره که در خیر نیست : عاقبت کار که داند که چیست : محقق
صمدانی سید علی همدانی رحمه الله درین کلمه باب چند فرموده شمهٔ از سر نظم آیات فاتحه بالحقیقت تلاوتش بعبارات خوش
واشارات دلکش باز نموده وآن اینست که قاری این سوره باید که چون اعوذ بالله گوید از شرور ومکاید واضلال عدو از نفس ودیو
بحصن عصمت وفاطر کاینات پناه گیرد واز قرائت بِسْمِ اللَّهِ ذات مقدس مسمی که قیوم کاینات متجلی اند وجمیع اشخاص
وافراد وجود را بقوت فیض قیومی قایم بیند ودر الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ عموم الطاف امطار جمالی وخصوص آثار انوار کمالی بر ظواهر
وسرایر مظاهر متواتر ومتوالی یابد ودر الْحَمْدُ لِلَّهِ فیضان انعام وافضال سریان جود ونوال آنحضرت در جداول اعیان
وجود جاری بیند وجمیع عوالم ملکی وملکوتی وعلوی وسفلی را در تربیت آثار ربوبیت که رَبِّ الْعَالَمِينَ ازان خبر میدهد با
پرورش تمام وفواید مالا کلام مشاهده نماید ودر تکرار الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ شهود تجدد امواج بحار رحمت بر حقایق علویات وسفلیات
او را در دریای توحید غریق گرداند وبدایه دایرهٔ ازل بنهایه نقطهٔ ابد پیوندد وانچه جمال طلعت مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ از منظر تجلی
جلوه گری کند پس حقارت حدوث طالب را در آستانهٔ نیاز انداز وتا ملازمت آداب عبودیت بر خود واجب داند
سر إِيَّاكَ نَعْبُدُ خلعت وقت او شود وچون صولت عواطف غیرت سایهٔ هستی عابد را در اشعهٔ انوار معبود محو گرداند

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)